

## روایت سینمایی مناقشات مرزی

مستند «خط القعر»  
به روایت سازنده‌اش

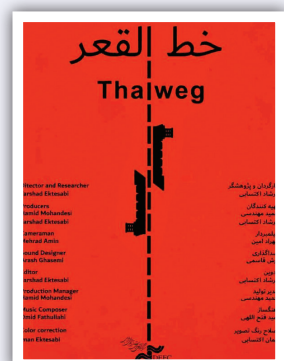


فرشاد اکتسای

موضوع این مستند در ارتباط با واکاوی عواملی است که منجر به وقوع جنگ ۸ ساله میان ایران و عراق شده است. «خط القعر» نگاهی تاریخی دارد و صرفاً به اتفاقات سال ۵۸ و ۵۹ نپرداخته است بلکه به مناقشات مرزی که از گذشته میان ایران و عراق وجود داشت، مخصوصاً در خصوص تعیین موقعیت مرزی در اروندرود پرداخته شده است. اختلافات میان ایران و عراق صرفاً به زمان پیش از انقلاب اسلامی محدود نیست و در دوران قاجاریه و صفویه هم مناقشاتی وجود داشته است. این فیلم هم از همان دوران به این موضوع می‌پردازد.

معتقدم پژوهش برای یک فیلم مستند به مثابه فشنگ برای یک تفنگ است؛ تفنگی که فشنگ ندارد خاصیتی ندارد. برای شروع این کار پژوهش اولیه‌ای برای سنجش ابعاد قضیه داشتیم و در یافتیم که باید برای پی بردن به علل وقوع جنگ ۸ ساله به این قضیه ریشه‌های نگاه کنیم. من مطالبی را از کتاب‌ها، مقالات، نشریات و تاریخ‌های شفاهی مختلف جمع‌آوری کردم. برای پژوهش صرفاً به منابع ایرانی اکتفا نکردم و برخی اطلاعات را از منابع غیر ایرانی و خصوصاً عراقی جمع‌آوری کردم تا موضوع را از زاویه دید طرف مقابل نیز بررسی کنم. در این فیلم تکیه ما بر اسناد تاریخی است و چیزی حدود ۱۸ هزار سند تاریخی را مورد بررسی قرار دادم که بخشی از آنها در کتابخانه ملی، مرکز اسناد وزارت امور خارجه و آرشیوهای مختلف اسناد و... در دسترس است.

برای پژوهش «خط القعر» به مرکز اسناد کشور امارات و همچنین قطر دسترسی پیدا کردم که در آنجا اطلاعات بسیار خوبی از گزارش‌های M16 انگلستان به دست آوردیم. در آرشیو اسناد اندیشکده ویلسون در واشنگتن نیز تعداد زیادی فایل‌های صوتی پیاده‌شده از گفت‌وگوهای محرمانه صدام حسین با امرای ارتش عراق پیدا کردم که مربوط به زمان قبل از شروع جنگ است. سعی من این بود که نگاه علمی به موضوع داشته باشم در نتیجه سراغ افرادی رفتم که مورخ بودند مانند محمد درویدیان، علی بیگدلی، سیدعلی موجانی و...



گفت‌وگو با رضا فرهنگند، کارگردان «لولی»

# خودم را در بدترین شرایط قرار دادم



### فهیمة پناه‌آذر

رضا فرهنگند از مستندسازان مستعدی است که در پرونده کاری خود ساخت چند مستند و فیلم نیمه‌بلند را دارد. فرهنگند برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم مستند از

بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر برای فیلم نیمه‌بلند «تاق صعود» شده و ۲ مستند «نت‌های مسی» یک رویا» و «زنانی با گوشواره‌های باروتی» را دارد. این کارگردان امسال با فیلم «لولی» به جشنواره فیلم فجر آمده و نخستین فیلم بلندش قرار است با دیگر فیلم‌های جشنواره رقابت کند.

عمل کرده و به‌نظم نتایج درخشانی را به‌وجود آورده است.

در این دوره ۱۳ کارگردان فیلم‌اولی رقابت دارند. فکر می‌کنید «لولی» در فرم، ساختار و محتوا چه ویژگی‌هایی برای این رقابت دارد؟ «لولی» در حقیقت همه دلبستگی من به فرم و محتوایی است که دوست داشتم به‌عنوان یک ایرانی با فرهنگی غنی از ادبیات و معماری به آن بپردازم. این فیلم دچار فرمی است که متانت ایرانی در آن موج می‌زند. در این فیلم زن ایرانی با همان عظمتی است که متأسفانه در فیلم‌هایمان کمتر به سمتش رفته‌ایم و لوکیشن فیلم سرشار از معماری و رنگ‌هایی است که امروزه بسیار کم آن را به مخاطب‌مان عرضه می‌کنیم و باید اعتراف کنم فیلم دارای سکانس‌ها و قاب‌بندی‌هایی است که هیچ‌گاه در قاب سینما آن را ندیده‌ایم. در حقیقت باید بگویم این فیلم دچار خلق‌هایی است که دیدنش حق فرهنگی و تمدنی ما ایرانیان است و در محتوا نمی‌توان به آسودگی به عمق آن رسید. فیلم «لولی» بیش از آنکه در سطح مفاهیم در حالی است که فرم و محتوا همچون روح ایرانی بی‌ادعا و ساده است.

با توجه به اینکه چند فیلم نیمه‌بلند داستانی ساخته‌اید، فضای ساخت فیلم بلند سینمایی چقدر برایتان آشنا بود؟

«لولی» نخستین اثر داستانی بنده است، اما من حدود ۲۰ سال پیش افتخار دستیاری بزرگمرد سینمای ایران، جناب آقای کلاری را در فیلم «بابا عزیز» داشتم، بنابراین می‌توانم فرض کنم که این فضا را به خوبی می‌شناسم، اما به دلایلی از آن فاصله گرفتم. سرنوشت شاید این‌گونه رقم خورد که دوباره به این فضا برگردم با این تفاوت که با کوله‌باری تجربه در فضای مستند وارد شدم و شرایطی را در تولید یک اثر داستانی برای خود ایجاد کردم که مینا و ریشه‌اش آسمان و صداقت و دوستی است و خدا را شاکرم از اینکه تیم تولید و بازیگران تجربه منحصربه‌فردی در طول تولید این اثر سینمایی داشتند.



فیلمساز اول همیشه همراه با نوعی امنیت خاطر است، اما آنچه برای من بسیار دارای اهمیت بوده و هست این است که یک کارگردان باید با واقعیت توانمندی‌های شخصی‌اش مواجه شود. من در این فیلم خودم را در بدترین و پرریسک‌ترین شرایط قرار دادم. در حالی که موقعیت فیلمنامه و پروژه به‌گونه‌ای بود که می‌توانستم به سراغ ستاره‌ها برویم، اما این تصمیم از نگاه بنده نوعی کم‌کاری محسوب می‌شد، در حقیقت این فیلم برای من تجربه‌ای است برای آزمودن توانمندی‌های شخصی خودم. به همین دلیل با وجود مخالفت همه دوستان به سراغ بازیگرانی رفتم که در قاب سینما دیده نشده‌اند و حتی در مورد کاراکتر اول مرد به سراغ کسی رفتم که هیچ تجربه‌ای در سینما نداشت. این ریسک می‌توانست به تعطیلی پروژه منجر شود، اما این ریسک به دلایل مختلفی تبدیل به یک فرصت بزرگ برای فیلم شد؛ فرصتی که در آن این فیلم حداقل ۴ بازیگر با استعداد را به سینما معرفی کرد. این اتفاق و این روش در عناصر دیگر فیلم هم به همین صورت

شکل می‌گرفت. تجربه ساخت این فیلم به این دلیل که هم سرمایه‌گذار تصمیم گرفته بودم وارد فضای ناشناخته داستانی شوم و این برای یک مستندساز که سال‌های طولانی در نقاط مختلف دنیا فیلم ساخته، یک ماجراجویی است. از شکل‌گیری داستان «لولی» بگوئید و اینکه تجربه ساخت این فیلم چگونه بود؟ بخش مهمی از عناصر این داستان مربوط به تجربه زیسته‌ای است که در روزهای متفاوتی از زندگی من شکل گرفته؛ از کودکی با داستان‌های شبانه پدر بزرگ تا روزهایی که در ساخت مستندهایم هست. در نهایت اما بعد از اینکه تصمیم به نوشتن گرفتم با همراهی دوست عزیزم امیراطهر سهیلی در حدود ۲ ماه داستان اصلی نگارش شد ولی برای کارهای اجرایی فیلم مثل یافتن سرمایه‌گذار و... کار حدود ۶ ماهی متوقف شد. این زمان فرصت بسیار خوبی بود که ۳ بار فیلمنامه را شخصاً بازنویسی کنم و در نهایت آخرین بازنویسی فیلمنامه بعد از یافتن لوکیشن اصلی فیلم است که البته در این مرحله فیلمنامه جدید کاملاً همسوس و همراه با لوکیشن شد که فیلم باید در آنجا

بسیاری از فیلم‌اولی‌ها برای فیلم‌های اول خود تلاش می‌کنند بازیگران ستاره بیاورند که در گیشه یا جذب مخاطب راه برایشان هموار باشد، اما شما از بازیگران ستاره استفاده نکردید. بازیگران ستاره حضورشان در کنار